

بررسی وضعیت روایات و راویان نعمانی (صاحب الغیبة) در منابع حدیثی شیعه تا قرن دهم قمری

کاظم استادی*

چکیده

شرح زندگانی محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی (ز ۳۴۲ق) چندان روشن نیست؛ و اطلاعات قابل توجهی هم از او در دسترس نمی باشد. همچنین، یکی از مسائلی که پیرامون زندگی نعمانی مشخص نیست، میزان توجه نویسندگان و علمای امامیه به روایات نعمانی و نیز کتاب الغیبة کنونی منسوب به وی می باشد. بنابراین از آنجایی که برخی نعمانی را از اعلام علمای امامیه دانسته اند، نیاز است تا «وضعیت روایات و راویان نعمانی در منابع حدیثی متقدم شیعه» بررسی و پژوهش شود که: چه روایاتی از نعمانی در میان منابع حدیثی متقدم شیعه امامیه وجود دارد؟ راویان نعمانی در میان مشایخ امامیه چه کسانی هستند؟ و با تمرکز به روایات و راویان نعمانی، وضعیت میزان توجه عالمان امامیه به نعمانی و آثار و روایات وی چگونه است؟ پس از بررسی تمامی منابع حدیثی موجود شیعه، مشخص شد که تنها شانزده روایت (مکرر و غیرمکرر) در برخی منابع اندک منطقه عراق و شام از وی موجود می باشد. از سوی دیگر و جدای از منابع رایج امامیه، در بررسی تراث غلات، منابعی یافت می شود که در آنها روایاتی از نعمانی نقل شده اند؛ که البته هیچ کدام در منابع امامیه و نیز منابع اهل تسنن یافت نمی شوند. غالب راویان اسناد نعمانی در این منابع، از راویان بدنام، سران غالیان و یا علاقمندان به میراث غلات هستند.

واژگان کلیدی: الغیبة، راویان و شاگردان نعمانی، مهدویت، منابع امامیه، غلات نصیریّه.



مقدمه^۱

محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی (ظم ۳۶۰ق)، که به «ابن ابی زینب» نیز خوانده شده است، کاتب و محدث شیعی و شاید متکلم قرن چهارم هجری است. گفته شده در روزگاری که محمد بن یعقوب کلینی در بغداد بوده، نعمانی نیز در آن شهر می‌زیسته، و از محضر وی بهره برده و از شاگردان او بوده است (نک: نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۴-۱۸). حتی ادعا شده که محمد نعمانی بخش زیادی از کتاب کافی کلینی را کتابت کرده؛ و برخی گفته‌اند ممکن است از این رو به عنوان کاتب شهرت یافته باشد (نک: تهرانی، ۱۴۰۸ق: ۷۹/۱۶)؛ ولی طبق برخی از منابع شامی و نصیری، نعمانی مدتی وزیر دیوانی یا کاتب دولت شام در انطاکیه نیز بوده؛ و احتمالاً بر این اساس به کاتب، شهرت یافته است (به عنوان نمونه نک: عصمة الدولة، ۲۰۱۶م: ۶۶۵).

افرادی پیرامون نعمانی و جایگاه او سخن گفته‌اند (به عنوان نمونه نک: مجلسی، ۱۹۸۳م: ۱۴ و ۴۰)؛ اما شاید نخستین کسی که، هر چند به اختصار، از نعمانی یاد کرده و موقعیت وی را باز گفته، احمد نجاشی (م ۴۵۰ق) است؛ که حتی او را به نوعی ستوده، و نوشته است: «... شیخ من أصحابنا، عظیم القدر، شریف المنزل، صحیح العقیده، کثیر الحدیث. قدم بغداد و خرج إلى الشام ومات بها...» (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۸۳).

همچنین، چند اثر به محمد نعمانی، منسوب شده است: ۱- الرد علی الاسماعیلیه. ۲- الفرائض. ۳- نثر اللثالی. ۴- التسلی و التقوی. ۵- الدلائل. ۶- المحکم و المتشابه. ۷- رساله فی اصناف القرآن. ۸- تفسیر نعمانی. ۹- کتاب الغیبه (نک: نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۸۳؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: مقدمه).

^۱. این مقاله ترجمه مقاله:

کتاب‌های اول تا پنجم، اکنون در دسترس نیستند؛ و اطلاع درستی از مطالب و کمیت و کیفیت کتاب‌ها، موجود نیست. عناوین قرآنی ذکر شده نیز، به نظر می‌رسد که یگانه هستند؛ همانند تفسیر نعمانی، که انتسابی معجول به نعمانی شده است (نک: استادی، ۱۳۶۹ش: سراسرمتن)؛ به این معنی که، دلایلی قوی در رد این انتساب، وجود دارد (نک: به عنوان نمونه نک: شبیری ۱۳۸۵ش: ۱۸)؛ و همچنین با عنوان «رساله المحکم و المتشابه» از قرن دهم با نام سید مرتضی، به چاپ رسیده است (نک: علم‌الهدی، ۱۳۸۹ش: سراسرمتن)؛ و حتی برخی از محققان، این عناوین کتب را، نه از سید مرتضی و نه از نعمانی می‌دانند (نک: موسوی، ۱۳۶۸ش: ۲۸).

در این میان، با این که کتاب‌های متعددی برای نعمانی برشمرده‌اند، ظاهراً در بین قدمای امامیه، آثار وی چندان مورد توجه نبوده است؛ هر چند که کتاب الغیبه منسوب به وی، اندکی مورد توجه ایشان بوده است (به عنوان نمونه نک: طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۲۷). در هر صورت اکنون، مشهورترین و در دسترس‌ترین اثر نعمانی، «کتاب الغیبه» اوست؛ که در اوایل دوره غیبت کبری و با به درازا کشیده شدن غیبت امام زمان(ع)، و نیز به خاطر رایج شدن آشفتگی فکری و تزلزل اعتقادی میان شیعیان و برای رفع این مشکل، توسط نعمانی تألیف ارائه شده است (نک: نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۹). نعمانی در این کتاب، به تبیین امر امامت و راز غیبت امام دوازدهم(ع)، پرداخته است؛ و اکنون، در برخی از نسخه‌های موجود آن و نیز نسخه چاپی کتاب، این اثر دارای حدود ۲۶ باب و ۴۷۸ حدیث می‌باشد. البته نسخ اندکی که از این اثر باقی مانده، مختلف و مقداری متفاوت هستند (نک: استادی، ۱۴۰۲ش: ب، سراسرمتن).

بیان مسأله

طبق اسناد موجود و شرح حال‌هایی که برای نعمانی نگارش یافته است (به عنوان نمونه نک: نعمانی، ۱۳۹۷ق: مقدمه؛ شبیری، ۱۳۸۰ش: سراسرمتن) تاریخ ولادت و وفات وی و نیز ترجمه و زندگانی او چندان روشن نیست و اطلاعات قابل توجهی نیز از وی در دسترس نیست.

جدای از این، با بررسی نسخه‌های خطی کتاب کنونی الغیبة منسوب به نعمانی، مشخص شده که این کتاب نسخه‌های خطی اندکی (در حدود ۲۳ نسخه) دارد؛ که جز یکی، همگی متأخر هستند (نک: استادی، ۱۴۰۲ش: الف، سراسرمتن) این در صورتی است که کتاب دیگر با موضوع مشابه، یعنی کمال‌الدین اثر صدوق (م ۳۸۱ق)، بیش از یکصد و پنجاه نسخه خطی دارد (نک: درایتی، ۱۳۹۱ش: ۶۸۲/۴) این وضعیت، ابهام ویژه‌ای را پر رنگ می‌کند که آیا نسخه‌های خطی الغیبة (یا به طور کلی روایات منقول از نعمانی)، در میان امامیه مورد توجه نبوده است یا این که این نسخه‌ها و روایات وی، در طول دوران از بین رفته‌اند؟

بنابراین، یکی از مسائلی که پیرامون زندگی و آثار نعمانی روشن نیست، میزان توجه نویسندگان و علمای امامیه به روایات نعمانی و نیز کتاب الغیبة کنونی به وی می‌باشد؛ و از آنجایی که محمد نعمانی را از اعلام علمای امامیه در قرن چهارم دانسته‌اند، اکنون نیاز است تا «وضعیت روایات و راویان نعمانی در منابع حدیثی متقدم شیعه» بررسی و پژوهش شود که: ۱- چه روایاتی از نعمانی در میان منابع حدیثی متقدم شیعه امامیه وجود دارد؟ راویان از نعمانی در میان مشایخ امامیه چه کسانی هستند؟ و با تمرکز به روایات و راویان نعمانی، وضعیت میزان توجه عالمان امامیه به نعمانی و آثار و روایات وی چگونه است؟ پژوهش حاضر، با توجه به این سؤالات در صدد بررسی روایات نعمانی و راویان وی در منابع شیعه تا قرن دهم هجری است؛ تا جمع‌بندی اجمالی از وضعیت این روایات نعمانی داشته باشد.

پیشینه

پیرامون نعمانی و کتاب الغیبة و احادیث آن، جدای از مقدمه چاپ الغیبة، مقالات و آثار مختلفی نوشته شده است؛ به عنوان نمونه، بعضی از آنها عبارتند از:

- طبسی، نجم‌الدین (۱۳۸۰ش)، «نگاهی به کتاب غیبت نعمانی»، انتظار موعود، پاییز

شماره ۱؛

- شبیری زنجانی، محمدجواد (۱۳۸۰ - ۱۳۸۵ ش)، «نعمانی و مصادر غیبت (۱-۱۰)»، مجله انتظار موعود، شماره ۲ الی ۱۸؛
- مختاری، علی‌رضا و کاظم قاضی‌زاده (۱۳۸۶ ش)، «تحلیلی درباره احادیث غیبت در کتاب الغیبة نعمانی»، علوم حدیث، شماره ۴۵؛
- معرفت، محمد (۱۳۹۷ ش)، «بازشناسی مصادر احادیث کتاب الغیبة نعمانی»، مجله شیعه پژوهی، س ۴، ش ۱۰، بهار؛
- شریعتی، فهیمه (۱۳۹۷ ش)، «تحلیل تطبیقی تفاوت گزارش غیبت نزد نعمانی، شیخ صدوق و شیخ طوسی»، پژوهشهای مهدوی، زمستان شماره ۲۷؛
- استادی، کاظم (۱۴۰۲ ش)، «معرفی و تحلیل نسخه‌های خطی کتاب الغیبة منسوب به نعمانی»، پژوهشنامه مطالعات نسخ خطی، دوره ۱، شماره ۲.
- جدای از برخی نوشته‌ها که به محتوای روایات و اسناد خود کتاب الغیبة پرداخته‌اند، تا کنون پژوهش مستقل و منسجمی پیرامون بررسی روایات منقول از نعمانی و راویان وی در منابع شیعی، صورت نگرفته است؛ بنابراین نوشته حاضر، ظاهراً به نوعی اولین مقاله در این نوع است.

وضعیت روایات و راویان از نعمانی در منابع تا قرن دهم

برای توجه بهتر و بیشتر به روایات نعمانی در منابع شیعی، مناسب است تا وضعیت راویان محمد بن ابراهیم نعمانی در منابع را از دو جهت مورد نظر قرار دهیم: یک، جستجو در منابع شیعی متداول میان ما. دو، منابع غلات شام، که در دهه‌های جدید منتشر و در دسترس محققین قرار گرفته است؛ چون سال‌های طلایی عمر نعمانی در حلب (نک: نجاشی، ۱۴۰۷ ق: ۳۸۳)، یعنی مناطق تجمع غلات نصیری، گذشته است.

اکنون ابتدا به بررسی منابع متداول در شیعه امامیه می‌پردازیم.

۱- روایات و راویان از نعمانی در منابع شیعی متداول

طبق اسناد نسخه‌شناسی، نسخه‌های خطی الغیبة، تازه در حدود قرن نهم و دهم به منطقه حدیثی شرق بین‌النهرین (یعنی فلات ایران و منطقه خراسان) راه یافته است و ظاهراً

پیش از آن در دسترس عالمان این حوزه‌های حدیثی نبوده است (استادی، ۱۴۰۰ش: ۲۸) بنابراین، اکنون برای بررسی وضعیت راویان نعمانی در منابع حدیثی شیعه، لازم است که حداقل منابع حدیثی شیعه تا قرن دهم را جستجو و واکاوی نماییم.

پس از بررسی تمامی منابع حدیثی موجود شیعه (بر اساس نرم‌افزار حدیثی)، مشخص شد که روایت و حدیثی به نقل از نعمانی یا کتاب‌های او در منابع حدیثی قرن ۴ و ۶ وجود ندارد؛ و تنها چند روایت محدود در برخی منابع اندک از قرن ۵، ۷، ۸ و ۹ موجود هستند.

هر چند که در این میان، موارد مبهم و نامعلومی نیز وجود دارند، که اشارات آنها به نام «نعمانی»، نامعلوم است؛ یعنی مشخص نیستند که مراد آنها از درج نام نعمانی، مشخصاً کدام نعمانی و با چه ترجمه‌ای است؛ مثلاً، یک نمونه که البته مرتبط با مباحث مهدویت نیز نمی‌باشد، جهت توجه بهتر ذکر می‌گردد. در کتاب «جوابات المسائل الطرابلسیات الثانیة»، اثر سید مرتضی، ذیل المسألة الحادیة عشر (بحث فیما ورد فی المسوخ) پرسش کننده، ضمن مطرح کردن بحث مسخ گفته است: «... و نعمانی در این باره بسیار روایت کرده است، که احتمال نسخ و مسخ هر دو وجود دارد. از جمله روایاتی که او آورده، روایتی طولانی است که در کتاب التسلی و التقوی ذکر نموده و به [امام] صادق (ع) نسبت داده؛ در انتهای این روایت می‌گوید: و هنگامی که کافر در حال احتضار است، رسول الله (ص) و علی (ع) و جبرئیل و ملک الموت در کنار او حاضر می‌شوند...»^۱ (علم‌الهدی، ۱۴۰۵ق: ۳۵۰/۱). اکنون کتاب «التسلی و التقوی» باقی نمانده و موجود نیست؛ و مهم‌تر آن که دلیل روشن و قابل قبولی در دسترس نیست تا نشان دهد که اساساً این کتاب از محمد بن ابراهیم نعمانی، صاحب الغیبة، باشد؛ و از سوی دیگر، نام نعمانی در این اشاره شریف مرتضی نیز، قرینه مشخص و قوی ندارد که روشن نماید منظور از نعمانی، کدام نعمانی است.

^۱. اصل متن چنین است: «... و قد روی النعمانی کثیراً من ذلك، یحتمل النسخ و المسخ معاً، فمما رواه ما آورده فی کتاب التسلی و التقوی؛ و أسنده إلى الصادق (ع) حدیث طویل، یقول فی آخره: و إذا احتضر الکافر حضره رسول الله (ص) و علی (ع) و جبرئیل و ملک الموت...».



بنابراین، جدای از این موارد نامعلوم، موارد یافته شده از محمد بن ابراهیم نعمانی در منابع شیعی عبارتند از:

۱-۱- روایات منقول از نعمانی در قرن پنجم

در قرن پنجم تنها دو منبع، چند روایت محدود از محمد بن نعمانی نقل نموده‌اند:

الف. الغیبة طوسی

کتاب الغیبة شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) به سال حدود ۴۴۴ تا ۴۴۷ ق در بغداد تألیف شده و حدود ۵۰۵ روایت دارد؛ اما فقط ۹ روایت از ۴۷۸ روایت الغیبة نعمانی (مطابق نسخه چاپی) در کتاب الغیبة شیخ طوسی وجود دارد؛ که البته دو روایت از آن نیز، تکراری و یک روایت نیز، در کتاب الغیبة نعمانی در دسترس ما، موجود نیست).

در کتاب الغیبة نعمانی، انتهای باب چهارم، فصلی با عنوان «فی ما روی أن الأئمة اثنا عشر من طریق العامة» وجود دارد که ده روایت در آن نقل شده است که هشت روایت آن به نقل از محمد بن عثمان است، و البته متن روایات شبیه هم هستند؛ که دو روایت (فطر از الوابی از جابر بن سمرة) تقریباً تکراری است (نک: نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ۱۰۲-۱۱۱). از این روایات محمد بن عثمان، هفت عدد در الغیبة طوسی وجود دارد؛ که یکی از هفت روایت، دو بار در الغیبة طوسی نگارش و تکرار شده است؛ و همه روایات محمد بن عثمان (به جز آن روایت تقریباً تکراری جابر بن سمرة در الغیبة نعمانی)، در فصل «فمما روی فی ذلك من جهة مخالفي الشيعة» درج شده است؛ که در اسناد اولین روایت، طریقش را به کتاب الغیبة نعمانی به طور کامل ذکر نموده؛ و در بقیه موارد بعدی، اسناد را با عنوان «بهذا الاسناد» درج نموده است؛ که عبارتند از:

روایت ۱- مَا أَخْبَرَنِي بِهِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ الْحَاشِرِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الشُّجَاعِيُّ الْكَاتِبُ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ أَبِي زَيْنَبٍ النُّعْمَانِيُّ الْكَاتِبُ قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ بْنِ عَلَانَ الذَّهَبِيُّ الْبَغْدَادِيُّ بِدَمَشَقَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي خَيْثَمَةَ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْجَعْدِ قَالَ حَدَّثَنِي زُهَيْرُ بْنُ مُعَاوِيَةَ عَنْ زِيَادِ بْنِ خَيْثَمَةَ عَنِ الْأَسْوَدِ بْنِ سَعِيدٍ الْأَهْمَدَانِيِّ قَالَ سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ سَمُرَةَ

يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۲۷، نیز نک حدیث مشابه: ۱۲۰ و ۱۲۳؛ همچنین نک: نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۰۲).

روایت‌های ۲ الی ۷- وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ ... (هفت روایت پشت هم؛ دو روایت تکراری درج شده است؛ روی هم، هشت روایت می‌شوند) (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۲۸-۱۳۳؛ همچنین نک: نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۰۳-۱۰۷).

چند نکته پیرامون این چند روایت قابل توجه است:

یکم - هر هشت روایت الغیبة طوسی از محمد بن ابراهیم نعمانی که در الغیبة نعمانی وجود دارد، از نظر ترتیب و عبارات مثل هم هستند؛ فقط روایت هشتم طوسی در انتها، این عبارت را افزون دارد «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا» (نک: طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۳۴). همچنین، روایت هشتم الغیبة نعمانی، از این قسمت پشت سر هم، در الغیبة طوسی نیامده است.

بنابراین ترتیب نقل دو اثر و نیز هماهنگی متن این روایات با کتاب الغیبة نعمانی، و همچنین با عدم فرض نونویس بودن این روایات در نسخه‌های خطی الغیبة طوسی، می‌توان احتمال قوی داد که شیخ طوسی این روایات را مستقیماً از کتاب نعمانی اخذ نموده است؛ البته با وجود برخی تفاوت‌ها، فعلاً روشن نیست که از کدام تحریر کتاب نعمانی بهره جسته است.

از طرفی با فرض این احتمال، لازم است تبیین شود که، چرا شیخ طوسی روایات دیگری از این اثر را، اخذ ننموده است؟ و اگر برخی از آنها را استفاده کرده است، چرا نام نعمانی را در اسناد خود نیاورده است؟

دوم - دو روایت، (هم در الغیبة نعمانی و هم در الغیبة طوسی) از این گروه محمد بن عثمان، تکراری هستند. (نک: طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۲۹؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۰۶). البته نوع روایت تکراری، در هر دو اثر، متفاوت است.

روایت ۸ - همچنین در الغیبة طوسی، یک روایت دیگر با اسناد «ابوالحسین شعجعی» وجود دارد، که در نسخه‌های کتاب الغیبة نعمانی کنونی، وجود ندارد:

وَ أَخْبَرَنِي أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ الْحَاشِرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِي الشُّجَاعِيِّ الْكَاتِبِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ النُّعْمَانِيِّ عَنْ يَوْسُفَ بْنِ أَحْمَدَ [مُحَمَّدٍ] الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: ... (نك: طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۵۷).

ب. كنز الفوائد

ابوالفتح، محمد بن علی کراجکی طرابلسی (م ۴۴۹ق) در كنز الفوائد، تنها یک روایت از نعمانی درباره «حلالی حلال الی یوم القيامة وحریمی حرام الی یوم القيامة» نقل نموده، که در الغیبة نعمانی نیز وجود ندارد:

حَدَّثَنِي الشَّيْخُ أَبُو الْمَرْجِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ الْبَلَدِيُّ بِالْقَاهِرَةِ قَالَ حَدَّثَنَا أَسْتَاذِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ جَعْفَرٍ النُّعْمَانِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ بْنِ عُقْدَةَ الْكُوفِيِّ ... (کراجکی، ۱۴۱۰ق: ۳۵۲).

۱-۲- روایات منقول از نعمانی در قرن هفتم

در قرن هفتم، تنها دو روایت در دو منبع که هر دو از ابن طاووس (م ۶۶۴ق) هستند، از محمد بن نعمانی نقل شده است:

الف. فرج المهموم

در کتاب فرج المهموم ابن طاووس، فقط این روایت یافت شد:

أَرْوِيهِ بِإِسْنَادِي إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ جَعْفَرٍ النُّعْمَانِيِّ الثَّقَفِيِّ فِي كِتَابِ الدَّلَائِلِ فِي الْجُزْءِ التَّاسِعِ فِيمَا فِيهِ مِنْ دَلَائِلِ مَوْلَانَا أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ ... ابن طاووس، ۱۳۶۸ق: ۹۵).

ب. مهج الدعوات

در کتاب مهج الدعوات ابن طاووس نیز، فقط این روایت یافت شد:

قَالَ الشَّيْخُ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَوْسُفَ الْحَرَّانِيِّ قَالَ الشَّيْخُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ جَعْفَرٍ النُّعْمَانِيِّ الْكَاتِبِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ النَّهَوَنْدِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْأَهْوَازِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ

بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ سَمِعْتُ مَوْلَايَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ ص يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ (ابن طاووس، بی تا: ۲۳۳).

۱-۳. روایات منقول از نعمانی در قرن نهم

در قرن نهم نیز، تنها دو منبع، چند روایت محدود از محمد بن نعمانی نقل نموده‌اند:

الف. مختصر البصائر

در کتاب مختصر البصائر اثر حسن بن سلیمان حلی (م ۸۰۲ به بعد)، چهار روایت از

کتاب الغیبة نعمانی نقل شده است:

۱- وَ مِنْ كِتَابِ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ النُّعْمَانِيِّ فِي الْغَيْبَةِ، أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الرَّازِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ الرَّقِّيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرٍ (ع) ... (حلی، ۱۴۲۱ق: ۴۲۷؛ همچنین نک: نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۹۰).

۲- مَا رَوَيْنَاهُ عَنْ النُّعْمَانِيِّ مِنْ كِتَابِ الْغَيْبَةِ لَهُ رَفَعَ الْحَدِيثَ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ حُمْرَانَ، عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ قَالَ: «يَمْلِكُ الْقَائِمُ (ع) تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً وَأَشْهُرًا». (حلی، ۱۴۲۱ق: ۴۶۰؛ همچنین نک: نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۳۱).

۳- وَ مِنْ كِتَابِ الْغَيْبَةِ لِمُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ النُّعْمَانِيِّ، أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ زَكْرِيَّا بْنِ شَيْبَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا يَوْسُفُ بْنُ كُلَيْبٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ الْحَنَاطِ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) ... (حلی، ۱۴۲۱ق: ۴۹۴؛ همچنین نک: نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۳۴).

۴- وَ مِنْ كِتَابِ الْغَيْبَةِ لِلنُّعْمَانِيِّ: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ بْنِ عَقْدَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُفَضَّلِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ قَيْسِ بْنِ رُمَّانَةَ الْأَشْعَرِيِّ وَ سَعْدَانُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ سَعِيدٍ وَ أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ الزِّيَّاتِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ الْقَطَوَانِيِّ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَمْرٍو بْنِ ثَابِتٍ، عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) ... (حلی، ۱۴۲۱ق: ۴۹۶؛ همچنین نک: نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۳۱).



ب. الصراط المستقیم

در کتاب الصراط المستقیم اثر علی بن محمد بن یونس نباطی بیاضی بقاعی (م ۸۷۷ق)، بخشی از یک روایت را از کتاب الغیبة نعمانی نقل شده است:
وَ أَسْنَدَ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ النُّعْمَانِيُّ فِي كِتَابِ الْغَيْبَةِ إِلَى الصَّادِقِ (ع): ثَلَاثَ عَشْرَةَ مَدِينَةً وَ طَائِفَةً تُحَارِبُ الْمَهْدِيَّ (ع) (عاملی نباطی، ۱۳۸۴ق: ۲/۲۶۳؛ همچنین نک: نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۳۱؛ ثَلَاثَ عَشْرَةَ مَدِينَةً وَ طَائِفَةً يَحَارِبُ الْقَائِمُ ...).

۴-۱- جمع‌بندی

یک. مجموع روایات (مکرر و غیرمکرر) که از محمد بن نعمانی در منابع شیعی تا قرن دهم نقل شده است، شانزده عدد است؛ که از این تعداد، سه روایت مرتبط با مسأله غیبت نیست؛ و یک روایت مرتبط با غیبت نیز در انواع نسخه‌های خطی کنونی الغیبة نعمانی وجود ندارد.

دو. کل این روایات، به چهار حالت در این پنج منبع «الغیبة طوسی، کنز الفوائد، فرج المهموم، مهج الدعوات، مختصر البصائر، الصراط المستقیم» وجود دارند: ۱- روایت منقول از کتاب الغیبة نعمانی. ۲- روایت منقول از ابوالحسن شجاعی کاتب، که در نسخه‌های الغیبة کنونی وجود ندارد. ۳- روایت منقول از کتاب دلایل نعمانی. ۴- روایات منقول از شخص نعمانی، به عنوان مطلق راوی.

- سه. اسامی راویان مستقیم از نعمانی در این منابع حدیثی شیعه، عبارتند از:
- ۱- أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الشُّجَاعِيُّ الْكَاتِبُ (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۲۷)؛ يَا أَيْبَى الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الشُّجَاعِيُّ الْكَاتِبُ (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۵۷).
 - ۲- أَبُو الْمَرْجِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الْبَلَدِيِّ (کراجکی، ۱۴۱۰ق: ۳۵۲).
 - ۳- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَوْسَفَ الْحَرَائِي (ابن طاووس، بی تا: ۲۳۳).

چهار. با بررسی حوزه حدیثی و زندگانی مؤلفانی که از نعمانی نقل روایت نموده‌اند، روشن می‌شود که این نویسندگان به منطقه عراق و شام تعلق دارند. شیخ طوسی از مکتب حدیثی بغداد است و در نجف مدفون است (نک: تهرانی، ۱۴۳۰ق: ۱۶۱/۲ و ۱۶۲).

کراچکی، شاگرد شیخ طوسی و از همان مکتب حدیثی است و در نجف وفات یافته است (نک: کراچکی، ۱۳۹۴ش: ۱۱). ابن طاووس نیز با فاصله زمانی، در همان حوزه حدیثی و منطقه بغداد و حله بوده است (نک: ابن طاووس، ۱۴۱۷ق: ۳۰). حسن بن سلیمان و علی نباطی نیز، هر دو به منطقه جبل عامل و حوزه شامات تعلق دارند (نک: تهرانی، ۱۴۳۰ق: ۴۱/۳ و ۸۹).

پنج. جدای از اسنادِ نسخه‌شناسی نسخه‌های خطی کتاب الغیبة (که پیش‌تر اشاره شد)، با توجه به جغرافیای زندگی راویانِ محدود نعمانی و نیز عدم وجود روایات نعمانی در منابع شیعی غیر حوزه حدیثی عراق و شام، به نظر می‌رسد که آثار نعمانی و روایات او، تا قرن دهم هجری، به حوزه حدیثی شرق بین‌النهرین (یعنی فلات ایران و منطقه خراسان) راه نیافته بوده است.

شش. با توجه به شمار اندک روایات وی، ظاهراً در حوزه عراق و شام نیز، روایات محمد نعمانی چندان مورد توجه علماء و مؤلفین آثار حدیثی نبوده است. این فرضیه، با در نظر گرفتن نسخه‌های بسیار اندک الغیبة در عراق و نبود نسخه‌ای از این کتاب در منطقه شام (نک: استادی، ۱۴۰۲ش: الف، سراسرمتن)، تقویت می‌شود؛ با این که خاستگاه تألیف و نسخه‌برداری کتاب الغیبة، منطقه شامات بوده است (نک: استادی، ۱۴۰۰ش: ۲۹).

۲- روایات و راویان نعمانی در منابع غلات شام

در دهه‌های اخیر، مجموعه‌ای از آثار غلات، همانند نصیری و علویان شام، منتشر شده و در دسترس قرار گرفته است (به عنوان نمونه نک: ابوموسی ۲۰۰۶م: سراسرمتن). با توجه به این که نعمانی به شام سفر کرده و تا پایان عمر در آنجا بوده است (نک: نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۸۳) و این زندگانی وی در حلب، مصادف با دوران طلایی و قدرت‌یابی فرقه نصیری و فرقه‌های مشابه در دوران زمامداری سیف‌الدوله (۳۳۳-۳۵۶ق) از حکومت حمدانیان می‌باشد (به عنوان نمونه نک: غالب‌طویل، ۱۳۸۶ق: ۲۵۹، ۳۱۶، ۳۱۸)؛ بنابراین، لازم می‌نماید که وضعیت راویان نعمانی در این آثار غلات نیز، مورد نظر قرار گیرند.



به عنوان نمونه، با بررسی تراث و منابع حدیثی در دسترس نصیری، منابعی یافت می‌شود که در آنها روایاتی از محمد بن ابراهیم نعمانی نقل شده است. برای جلوگیری از طولانی شدن نوشتار، و از باب نمونه، به یکی از مهم‌ترین منابع نصیری که روایات متعددی از نعمانی دارد می‌پردازیم:

۱-۲- روایات نعمانی در کتاب حقایق اسرارالدین

کتاب حدیثی «حقائق اسرار الدین»، متنی کهن از میراث نصیری است؛ که در میان ایشان به ابومحمد حسن بن علی بن شعبه حرانی (ق ۴) نسبت یافته (نک: باقری، ۱۳۹۴ ش: ۱۶۳)؛ و شامل نقل قول‌های زیادی از غالیان متقدم است، و آشکارا حاوی معارف ویژه غلات نصیری همانند: مسخ، تناسخ، ربوبیت حجج، اباحه‌گری و غلو می‌باشد (به عنوان نمونه نک: ابوموسی، حقائق، ۲۰۰۶ م: ۷۸/۴، ۹۷، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۴). در کتاب حقائق، بیش از بیست و دو روایت مرتبط با محمد بن ابراهیم نعمانی است؛ که اکثر آنها به ترتیب نقل عبارتند از:^۱

۱- وروی عن أحمد بن علی عن محمد بن إبراهيم عن إسحاق يرفعه إلى محمد بن سنان في كتاب التوحيد عن العالم قال:

لما خلق الله أهل النور الأول كانوا يروونه بصفة الوجدانية يقول فيقولون، ويسكت فيسكتون، يعلمهم ويخبرهم كيف يسبحونه ويهللونه ويمجدونه فمكثوا على ذلك سبعة آلاف سنة وسبعة وسبعين سنة وسبع ساعات، فقال لهم العليّ العلام: من أنا...؟ وهو يومئذ متصور بصورة، ومتشخص بشخص لم يعرفوه لأنهم رأوه نورانياً، فلما تزيّاً لهم في البشرية أنكروه، وقالوا: لا ندري إلا أننا نتبعك ... [ادامه دارد] (حرانی، ۲۰۱۶ م: ۱۶).

^۱. در مقاله حاضر، اسناد این روایات مورد نظر اختصاصی پژوهش است؛ اما چون متن روایات غالباً کوتاه بود، خالی از فایده نبود که متن روایات هم درج شود؛ تا محتوای آنها نیز، شاهد هم‌عرضی برای ذهن خوانندگان باشد.

۲- وحدثني محمد بن إبراهيم عن أبي علي البصري قال: حدثني الرازي عن أبي الهيثم عن هشام عن المفضل عن جابر قال: سئل أبو جعفر منه السلام عن تفسير الصعب المستصعب قال:

الصعب الإقرار بالصورة والمستصعب إفراد المعنى عن الصورة، وكل سر مستسر مقنع بالدر فمن فهم من ذلك شيئاً أو أذاعه أو علّمه للجهلاء أو أراد به المعاندة فقد هتك سر الله (حراني، ۲۰۱۶م: ۲۴).

۳- حدثني محمد بن إبراهيم عن أبي البصري عن محمد بن موسى عن الكرخي عن ابن صدقة عن ابن سنان قال: قال الصادق

أن الله أحد خلق واحداً فجعله عينه التي يبصر بها ويده التي يبطش بها و أذنه التي يسمع بها ولو كانوا مائة ألف كانوا واحداً (حراني، ۲۰۱۶م: ۳۴).

۴- وحدثني محمد بن إبراهيم عن البصري عن العدساني عن محمد بن جعفر البرسي عن الأرمي عن محمد بن سنان عن يونس بن ظبيان قال: قال الصادق منه السلام: إن لله بيوتاً وليوته أبواباً فمن دخل من أبوابها اهتدى ومن دخلها من سوى ذلك ضلّ وهو (حراني، ۲۰۱۶م: ۴۴).

۵- وعنه عن البصري عن محمد بن موسى عن الكرخي عن أبي سمينة عن محمد بن سنان عن المفضل قال: قال سيدي:

لا بدّ من أصل وفرع ومفروع، فالأصل مدينة العلم، والفرع بابها، والمفروع هو المستقى من الباب، وهو المفروع (حراني، ۲۰۱۶م: ۴۴).

۶- وحدثني محمد عن الكرخي عن اسماعيل عن ابن صدقة قال: قال الرضا: إن لله أن يظهر ببابه وليس للباب أن يظهر بشيء من الله، فما قاله الباب فالله قاله (حراني، ۲۰۱۶م: ۴۴).

۷- وحدثني عنه عن عبد الله عن ادريس عن زيد عن يونس قال: قال الصادق منه السلام:

ظاهر الله إمامة وباطنه غيب لا يدرك، وظاهر الباب إنسان وباطنه إمام، ولا تصح إمامة مدّعى إلا بدلالة فمن ادّعى بشيء فطالبوه بدلالته (حراني، ۲۰۱۶م: ۴۴).

۸- وحدثني محمد بن ابراهيم عن البصري عن عبد الله بن العلاء عن ادريس بن زياد عن ابي سعيد عن علي بن الحسين عن ابن سنان قال: قال الصادق منه السلام: إن من وراء عالمكم هذا ستة وثلاثين ألف عالم، في كل عالم ست وثلاثون ألف مدينة منقوشة، في كل مدينة ستة وثلاثون ألف ملك يسوس كل ملك ستاً وثلاثين ألف نفس لا يعلمون أن الله خلق آدم وذريته وهم أطوع لنا من أحدكم لهواه، وهم مع ذلك لا يعلمون أن الله خلق آدم ولا ذريته ولا أن الله خلق إبليس ولا أنزل كتاباً (حراني، ۲۰۱۶م: ۶۷).

۹- وحدثني عنه قال: حدثني محمد بن موسى الكرخي عن اسماعيل بن علي عن ابن صدقة عن هاشم عن المفضل قال: قال الصادق منه السلام: لقد ظهر أمير المؤمنين في الفرس فأنكره بعضهم فنفخ ناراً فأحرقهم وأدركتهم رحمته فانتشروا لوقتهم وقد غاب أمير المؤمنين وبقيت النار فعظموها لتعظيم صاحبها إلى وقتنا هذا (حراني، ۲۰۱۶م: ۶۷).

۱۰- وحدثني محمد بن ابراهيم عن أبي علي البصري عن عبد الله بن العلي عن ادريس عن زيد بن طلحة عن المفضل بن عمر قال: قال سيدي أبو عبد الله منه السلام: إن لكلاً منا ظاهراً وباطناً فظاهرة حُكْم وباطنه عميق، وحديثنا صعب مستصعب، وأمرنا سر مستسر، فمن عرف لحنا عرف ما أردنا ومن لم يعرف التعريض لم ينتفع بالتصريح (حراني، ۲۰۱۶م: ۸۳).

۱۱- وبالإسناد عن زيد بن طلحة عن علي بن عبد الملك عن المفضل بن عمر قال: قال سيدي:

إن هذا القرآن له ظاهر وباطن ومحكم ومتشابه وناسخ ومنسوخ وعام وخاص وتشديد وترخيص وتعريض وتصريح، وكلامنا أهل البيت كذلك، وإنّا لتكلم بالكلمة ولها سبعون وجهاً، لنا من جميعها المخرج (حراني، ۲۰۱۶م: ۸۳).

۱۲- وبالإسناد عن عبد الله عن ادريس الكفرتوثي عن ابن سنان قال: سئل الصادق منه السلام عن كلامهم فقال:

إنا لتكلم بالكلمة فيكون لها سبعون وجهاً فقيل: سبعون..؟ فقال: سبعمائة قال: سبعمائة..؟ قال: سبعة آلاف. فأمسك القائل، ولو استزاد لزيد (حراني، ۲۰۱۶م: ۸۳).

۱۳- وحدّثني محمد بن ابراهيم عن أبي علي البصري عن أبي محمد الهمداني عن أبي سعيد عن محمد بن موسى عن علي بن الحسن عن محمد بن سنان قال: كان المفضل وجماعة من أصحابه في غرفة مجتمعين يشربون ويتذكرون إذ هبط السيد من السقف وبيده باقة آذريون فقال لهم:

«شاذ خرم يا شاذ خاريد كان» قال آخرون، وإنما قال: حلال لكم معكم حرام عليكم مع غيركم، فقال قوم: إنما عني بهذا القول العلوم الباطنة، وقال آخرون: إنما عني الشارب، والقول الثاني أشبه بالخبر لأنه لو كان الشارب في الباطن محرماً مثله في الظاهر لنهاهم عنه، وقد علمت سائر الشيعة أن إفشاء سر آل محمد حرام لا شك فيه ولا خلف (حراني، ۲۰۱۶م: ۱۲۸).

۱۴- وحدّثني محمد بن ابراهيم عن أبي علي عن محمد بن موسى وعبد الله بن سنان وزيد بن طلحة عن المفضل عن جابر وأبي حمزة قالوا جميعاً قال العالم: إنما سمي السنور بهذا الاسم لأنه مشتق من النور وهو كان ملك مع أمير المؤمنين كان بعثه إلى فارس يدعو خمسة أنفار إلى الدعوة فلمحبته للدعوة دعا الناس جميعاً فدعا عليه أمير المؤمنين فحوّل كما ترى. وكذلك قال: السنور من أهل البيت. وقال النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وآلِهِ وَسَلَّمَ: إنها من الطوافات عليكم (حراني، ۲۰۱۶م: ۱۴۱).

۱۵- حدثني عنه عن محمد عن الكرخي عن أبي سميئة وعبد الرحمن وعن ابن سنان عن الصادق منه السلام قال:

الناسخ هو المثل والحكاية، والمسوخ غيره لأنه لا يطمس في الفتح (القبح) (حراني، ۲۰۱۶م: ۱۴۱).

۱۶- وبالإسناد عن الكرخي عن أبي هاشم عن هشام عن المفضل قال: قال سيدي:

أما النسخ في الصورة، والمثل للشيء في وقتين مختلفين ومكانين، أما ترى أنك تأخذ نسخة الكتاب فلا يكون غير ما أخذوا ولا يكون الشيء بعينه فتنقله إلى مكان آخر. وأما المسخ فهو صورة متحركة عن صورة الإنسانية (حراني، ٢٠١٦م: ١٤٢).

١٧- حدّثني أبو عبد الله محمد بن إبراهيم عن أبي بصير قال: حدثني محمد بن موسى عن ابن مهران عن أبي سمينة عن المفضل قال: جاء سماعة إلى الباقر منه السلام قال له: عمن آخذ معالم ديني..؟ فقال:

انظر إلى رجل ترميه العامة بالزندقة وتبترأ منه المقصرة وتجهله المفوضة فخذ دينك عنه (حراني، ٢٠١٦م: ١٤٦).

١٨- وحدثني أيضاً عنه قال: حدّثني حمزة بن القاسم عن الربيع قال: قال السيد محمد (ص): حدّثوا عن فضلنا ولا حرج، وعن عظم أمرنا ولا إثم (حراني، ٢٠١٦م: ١٤٧).

١٩- حدّثني أبو عبد الله عن علي بن محمد بن موسى عن الكرخي عن محمد بن سنان عن شريك الفضل عن المفضل قال: قلت لسیدی: كيف نعلم حال من لعنتموه فكانت عليه سخطاء؟ قال:

إننا لا نبتديء بلعنة مؤمن ولا نؤخر لعنة كافر (حراني، ٢٠١٦م: ١٤٨).

٢٠- حدثني أبو عبد الله محمد بن [إبراهيم] علي البصري قال: حدثني محمد بن موسى عن الكرخي عن أبي سمينة عن محمد بن سنان قال: قال الصادق منه السلام: أمرنا أهل البيت سر مستسر مقنّع بالدر فمن أذاعه فقد هتك سر الله. وفي خبر آخر: فقد هتك حجاب الله (حراني، ٢٠١٦م: ١٥٢).

٢١- وحدّثني أيضاً عنه عن عبد الله بن العلا عن إدريس بن زياد عن زيد بن طلحة عن المفضل قال: قال الصادق منه السلام:

ما لله سر إلا وهو في أيدي خلقه ولا له خازنة هي أحرز من جهلهم به فمن عرّف أعداء الله سر الله فقد حاد عن أمر الله (حراني، ٢٠١٦م: ١٥٢).

۲۲- وبالإسناد عن زید بن طلحة عن أبي علي بن عبد الملك عن شريك عن المفضل قال: قال الصادق منه السلام:

ظهور الله بين عباده سر، وعلمه فيهم مستسر، كذلك ما عرفكم مستسر عنم ليس منكم فكونوا على طريقة منهاجه فإنه لو شاء هتك ما ستر ولكن ليلوا بعضكم بعضاً (حرانی، ۲۰۱۶م: ۱۵۲).

۲-۲- تحلیل و جمع‌بندی روایات حقایق اسرارالدين

روایات نعمانی در حقایق اسرارالدين را، حداقل از چند جنبه «اسناد، راویان و موضوع» می‌توان مورد نظر و تجزیه و تحلیل قرار داد:

۲-۲-۱- اسناد روایات نعمانی در حقائق

یک - نام نعمانی در تمامی اسناد کتاب حقائق یکسان نیامده است؛ بیش‌ترین یادکردها، با عنوان «محمد بن ابراهیم» است. سه مورد نیز «ابوعبدالله محمد بن» که کلمه ابراهیم از انتهای آن افتاده است؛ از این سه مورد، دو تای آن با ایضاً و بالاسناد، محاسبه شده است. از کل اسناد بیان شده در قبل، یک مورد از اسناد روایات با عنوان «ابوعبدالله» ذکر شده است، که معلوم نیست ابوعبدالله خصیبي یا حفص است و یا ابوعبدالله نعمانی؛ که ظاهراً بنا به اسناد مشابه و با تطبیق دیگر راویان، به نظر می‌آید که محمد نعمانی منظور است.

دو - از ۲۲ روایت نعمانی در حقائق (اگر از طرق چند روایت اندک صرف‌نظر کنیم)، حدود ۱۸ روایت از دو طریق «محمد بن مهران الکرخي عن محمد بن موسی» و «ادريس بن زياد الکفرتوثي عن عبد الله بن العلاء» و همگی از «أبي علي البصري» نقل شده‌اند. فقط یک سند روایت سوم، عنوان را «أبي البصري» درج نموده، که کلمه «علي» از آن افتاده است.

سه - از بیست و دو روایت نعمانی در حقائق، هیچ کدام در منابع امامیه و نیز منابع اهل تسنن یافت نشد. تنها بخشی از روایت شماره ۱۱ نعمانی در حقائق (حرانی، ۲۰۱۶م: ۸۳) در بخشی از روایت شیخ صدوق در معانی الاخبار به این صورت وجود دارد:

حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ قَالَ: «يَكُ حَدِيثٌ رَأَى كَامِلًا فَهَمِيدَةً بَاشِي، أَرْزَمَنْدَتَرُ مِنْ هَذَا رَوَايَتِ اسْتِ كِه (طَوطِي وَار) آن رَا بَرَايِ دِيْگَرَانِ نَقْلِ كَنِی؛ وَ نِيزِ هِيْچِ يَكُ از شَمَا فَقِيْه نَخَوَاهَنْدِ بُوْد، مَگَرِ آن كِه مَعَارِيضِ كَلَامِ مَا رَا بَشْناسَد. بَه راسْتِي، هَر جَمْلَه اِي از گَفْتارِ مَا مِي تَوَانَد بَه هَفْتادِ گُونَه تَعْبِيرِ گَرْدَد، كِه رَاهِ خُرُوجِ از هَر يَكُ از آنْها بَرَايِ مَا باز اسْت»^۱ (صدوق، ۱۳۷۹ق: ۲/۱).

چهار - اسناد این روایات نعمانی در حقائق، در بسیاری موارد، افتادگی دارند، که البته با زیر هم قرار گرفتن تمامی اسناد، افتادگی بیشترشان روشن می شود؛ هر چند که برخی از این اسناد نیز، افتادگی نامشخص دارند، همانند: «و حَدَّثَنِي أَيْضًا عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنِي حَمْزَةُ بْنُ الْقَاسِمِ عَنْ الرَّبِيعِ قَالَ ...» (حرانی، ۲۰۱۶م: ۱۴۷).

پنج - همه روایات حقائق از نعمانی، به صورت مستقیم از وی نقل شده، مگر یک روایت که از احمد بن علی عن محمد بن ابراهیم عن اسحاق است.

ظاهراً وی، أبو العباس أحمد بن علی الرازی الخضیب الایادی می باشد؛ که رجالیون او را ضعیف و از غالیان دانسته اند (نک: نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۹۷؛ ابن غضائری، ۱۴۲۲ق: ۴۳؛ امین عاملی، ۱۴۲۱ق: ۳۴۹/۴) به عنوان نمونه نجاشی نوشته است: «قال أصحابنا: لم يكن بذلك، وقيل: فيه غلو و ترفع، وله كتاب الشفاء والجلاء في الغيبة ...» (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۹۷). برخی نیز نام او را جزء افراد مشهور به غلو ذکر کرده اند (اسفندیاری، ۱۳۷۴ش: ۲۰۶). بنابراین، راوی این روایات نعمانی که نقل شد، دو شخص هستند:

۱- حسن بن علی بن شعبه حرانی^۲ - أبو العباس أحمد بن علی الرازی
برای توجه بهتر به مواردی پنج گانه ای که بیان شد؛ و نیز ملاحظه برخی از افتادگی های اسناد روایات نعمانی در حقائق، جدول این اسناد درج می گردد.

۱. اصل متن چنین است: «حَدِيثٌ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ حَدِيثٍ تَرْوِيهِ وَلَا يَكُونُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ فَقِيهًا حَتَّى يَعْرِفَ مَعَارِيضَ كَلَامِنَا وَإِنَّ الْكَلِمَةَ مِنْ كَلَامِنَا لَتَنْصَرِفَ عَلَى سَبْعِينَ وَجْهًا لَنَا مِنْ جَمِيعِهَا الْمَخْرُجُ».



جدول روایات نعمانی در حقائق اسرارالدين									
۲۵۰ قمری	۲۲۵ قمری	۲۰۰ قمری	۲۷۵ قمری	۲۵۰ قمری	۲۲۵ قمری	۲۰۰ قمری	۱۷۵ قمری	۱۵۰ قمری	۱۲۵ قمری
۱	محمد بن ابراهيم			إسحاق (م ۲۸۶)	؟	؟	محمد بن سنان (م ۲۲۰)	العالم	-
۲	محمد بن ابراهيم	أبي علي البصري		الرازي	أبي الهيثم		المفضل (م حدود ۱۸۵)	جابر	أبو جعفر
۳	محمد بن ابراهيم	أبي البصري	محمد بن موسى	الكرخي	ابن صدقة	ابن سنان			الصادق
۴	محمد بن ابراهيم	البصري		العدساني	محمد بن جعفر البرسي	الأرمي	محمد بن سنان (م ۲۲۰)	يونس بن زبيان	الصادق (م ۱۴۸)
۵	و عنه	البصري	محمد بن موسى	الكرخي	أبي سمينة		محمد بن سنان (م ۲۲۰)	المفضل (م حدود ۱۸۵)	سيدي
۶	محمد			الكرخي	اسماعيل	ابن صدقة			الرضا
۷	و عنه		عبد الله	ادريس		زيد		يونس	الصادق
۸	محمد بن ابراهيم	البصري	عبد الله بن العلاء	ادريس بن زياد	أبي سعيد الحسين	علي بن ابن سنان			الصادق
۹	و عنه		محمد بن موسى الكرخي	الكرخي	اسماعيل بن علي	ابن صدقة	هاشم	المفضل	الصادق
۱۰	محمد بن ابراهيم	أبي علي البصري	عبد الله بن علي	ادريس	زيد بن طلحة		المفضل	بن عمر	سيدي أبو عبد الله
۱۱	و بالإسناد	و بالإسناد	و بالإسناد	و بالإسناد	و بالإسناد	زيد بن طلحة	علي بن عبد الملك	المفضل	سيدي
۱۲	و بالإسناد	و بالإسناد	عبد الله	ادريس الكفرتوني		ابن سنان			الصادق
۱۳	محمد بن ابراهيم	أبي علي البصري	أبي محمد الهمداني	أبي سعيد	محمد بن موسى	علي بن الحسن	محمد بن سنان		السيد
۱۴	محمد بن ابراهيم	أبي علي	محمد بن موسى وعبد الله بن سنان			وزيد بن طلحة		المفضل	العالم جابر و أبي حمزة
۱۵	و عنه		محمد	الكرخي	أبي سمينة وعبد الرحمن		ابن سنان		الصادق
۱۶	و بالإسناد	و بالإسناد	و بالإسناد	الكرخي	أبي هاشم		هاشم	المفضل	سيدي
۱۷	أبو عبد الله محمد بن ابراهيم	أبي بصير	محمد بن موسى	ابن مهران	أبي سمينة			المفضل	الباقر
۱۸	حدثني أيضاً	و عنه		حمزة بن القاسم		الربيع			السيد محمد (ص)
۱۹	أبو عبد الله	علي	محمد بن موسى	الكرخي			محمد بن سنان	شريك الفضل عن المفضل	سيدي
۲۰	أبو عبد الله محمد بن ابراهيم	علي البصري	محمد بن موسى	الكرخي	أبي سمينة		محمد بن سنان		الصادق
۲۱	و حدثني أيضاً	و عنه	عبد الله بن العلاء	ادريس بن زياد		زيد بن طلحة		المفضل	الصادق
۲۲	و بالإسناد	و بالإسناد	و بالإسناد	و بالإسناد	و بالإسناد	زيد بن طلحة	علي بن عبد الملك	شريك عن المفضل	الصادق

زید بن طلحة، هشام/هاشم، محمد بن سنان، (أبی) علی بن عبد الملك، المفضل، یونس بن ظبیان، جابر، أبی حمزة.

غالب این افراد، از راویان بدنام و یا سران غالیان و غلات نصیری و یا علاقمندان به میراث غلات و از محافل حدیثی ایشان هستند. برخی اندک نیز کسانی هستند که نام و ترجمه‌شان در کتاب‌های رجالی دیده نمی‌شود و احتمالاً این راویان ساخته و پرداخته سنت فکری و عملی غلات شیعه هستند؛ که مورد بی‌اعتنایی رجالیان و محدثان مکتب‌های حدیثی شرق بین‌النهرین قرار گرفته‌اند.

در این میان مهم آن است که سه راوی اولیه این روایات که مستقیم از معصوم (ع) و یا نزدیک وی، روایات را نقل نموده‌اند، یعنی «محمد بن سنان، یونس بن ظبیان و مفضل جعفی»، راویانی هستند که سخت مورد توجه غلات بوده‌اند؛ و میان رجالیان، مناقشات مهم در ترجمه غالیانه آن‌ها به چشم می‌خورد (نک: شمشیری، ۱۳۹۸ش: سراسرمتن؛ حلی، ۱۳۱۱ق: ۴۱۲؛ خویی، ۱۴۱۳ق: ۱۶۹/۱۷).

به عنوان نمونه، می‌توان از یونس بن ظبیان الکوفی یاد کرد. نجاشی او را جدّاً ضعیف می‌داند و همه کتاب‌های او را تخلیط می‌شمرد (نک: نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۴۴۸). ابن غضائری او را غالی و کذاب و جاعل حدیث می‌داند (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق: ۱۰۱). کشی از امام کاظم (ع) نقل می‌کند که حضرت بر او هزاران بار لعنت فرستاد است (کشی، ۱۴۰۹ق: ۲۷۵/۲). رجالیون در مجموع، وی را «دروغگو، ضعیف، مخلط و وضاع حدیث» دانسته‌اند (نک: مامقانی، ۱۳۶۹ش: ۲۶۹).

جدای از این سه تن افراد مشهور، اکنون به جهت اختصار، تنها به وضعیت رجالی برخی از راویان روایات نعمانی در حقائق توجه می‌کنیم:

۱- ابوجعفر محمد بن موسی بن عیسی الهمدانی السّمان

نجاشی نقل کرده که قمی‌ها او را به خاطر غلو، تضعیف کرده‌اند؛ و نیز ابن ولید گفته است که او جعل حدیث می‌کرده است (نک: نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۳۸). رجالیون در

مجموع، وی را از روات ضعیف شیعه دانسته، که متهم به غلو و جاعل احادیث و اصول است (نک: مامقانی، ۱۳۶۹ش: ۲۶۹).

۲- محمد بن عبد الله بن مهران الکرخي

وی از رجال شناخته شده غلات شیعه است که در سنت غلات نصیری مورد توجه ویژه بوده است (به عنوان نمونه نک: خصیبی، ۱۴۱۱ق: ۷۶، ۱۸۷، ۲۸۶-۲۸۷، ۳۶۲). نجاشی درباره او گفته: «من أبناء الأعاجم غال کذاب فاسد المذهب و الحديث مشهور بذلك» (نک: نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۵۰). ابن غضائری نیز وی را «غال ضعیف کذاب» خطاب نموده است (نک: ابن غضائری، ۱۴۲۲ق: ۹۵). طوسی نیز به تبع پیشینیان، او را ضعیف دانسته و نوشته: «یرمی بالغلو» (نک: طوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۹۱).

۳- ابوالفضل ادریس بن زیاد بن علی کفرثوئی (کفرثوئی)

ابن غضائری در نقل روایات او تردید کرده و نوشته، وی از ضعفا روایت کرده است (نک: ابن غضائری، ۱۴۲۲ق: ۳۹). برخی هم او را واقعی می دانند (نک: شوشتری، ۱۴۱۰ق: ۶۹۷/۱) شواهدی نیز از غلو وی موجود است (به عنوان نمونه نک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ۴۲۸/۴).

۴- اسحاق بن محمد احمر نخعی

وی از غلات و رئیس فرقه اسحاقیه است (به عنوان نمونه نک: زرکلی، ۱۹۸۰م: ۲۹۵/۱؛ غالب طویل، ۱۳۸۶ق: ۲۰۹-۲۱۱) که جزء مشایخ ابن همام (ظ ابوعلی بصری) نیز بوده است. نجاشی و حلی، او را «معدن تخییط» نامیده اند (نک: نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۷۳). ابن غضائری او را فاسد المذهب و دروغگو و جاعل حدیث می داند و گفته است: «لا يلتفت إلى ما رواه، و لا يرتفع بحديثه» (نک: ابن غضائری، ۱۴۲۲ق: ۴۱). رجالیون در مجموع، وی را «فاسد المذهب، دروغگو، جاعل حدیث و اساساً معدن تخییط» دانسته اند (نک: مامقانی، ۱۳۶۹ش: ۲۶۶).

۵- محمد بن جعفر البرسی

وی از راویان سنت‌های غلات است (به عنوان نمونه نک: خصیعی، ۱۴۱۱ق: ۲۲۶) که روایات متعددی نیز از محمد ارمنی، باب نصیریّه دارد (نک: زیات نیشابوری، بی‌تا: ۲۹، ۳۰، ۳۹، ۵۲، ۶۰، ۶۹، ۷۹، ۹۴، ۱۰۵، ۱۱۳، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۳۷ و ۱۳۸) حتی روایت معروف غالیانه «خبر الخیط» را از او نقل کرده‌اند (نک: انصاری، ۱۳۸۶ش: ۵).

۶- ابی سمینه محمد بن علی صیرفی

نجاشی وی را «ضعیف جداً، فاسد الاعتقاد، لا یعتمد فی شیء، قد اشتهر بالكذب... ثم اشتهر بالغلو» می‌داند (نک: نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۳۲). ابن غضائری نوشته است: «کذاب، غال، دخل قم و اشتهر امره بها و نفاه احمد بن محمد بن عیسی الاشعری - رحمه الله عنها - و كان شهيراً فی الارتفاع لا یلتفت الیه و لا یکتب حدیثه (نک: ابن غضائری، ۱۴۲۲ق: ۹۴). طوسی نیز با توضیحاتی، وی را غالی دانسته است (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۲۲۳).

۷- اسماعیل بن علی خزاعی

نجاشی و طوسی او را مختلط می‌دانند (نک: نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۲). ابن غضائری او را دروغگو و جاعل حدیث می‌داند (نک: ابن غضائری، ۱۴۲۲ق: ۴۲). طوسی همچنین می‌گوید که او از ائمه (ع) حدیث نقل نمی‌کند (نک: طوسی، ۱۴۱۵ق: ۴۶۹). رجالیون در مجموع، وی را «دروغگو، جاعل حدیث، مختلط در حدیث» دانسته‌اند (نک: مامقانی، ۱۳۶۹ش: ۲۶۶).

۸- محمد بن یحیی الأرمنی

در منابع رجال امامیه شناخته شده نیست. روایاتی در طب الاثمه از میراث غالیان دارد؛ که پیش‌تر ذکر شد (نک: زیات نیشابوری، بی‌تا: ۲۹ - ۱۳۸). بنا بر روایتی در همین کتاب، محمد جزء ابواب قلمداد شده است: «محمد بن جعفر بن علی البرسی قال حدثنا محمد بن یحیی الارمنی و كان بابا للمفضل ابن عمر و كان المفضل بابا لابی عبد الله

الصادق(ع)» (زیات نیشابوری، بی تا: ۱۲۸). مفهوم باب به روشنی تعلق وی را به سنت غلات نصیریّه نشان می دهد (نک: انصاری، ۱۳۸۶ش: ۵).

۹- عباس بن صدقة

کشی دو روایت از الْفَضْلُ بْنُ شاذَانَ وَ نَصْرُ بْنُ الصَّبَّاحِ نقل نموده که در آنْهَا الْعَبَّاسُ بْنُ صَدَقَةَ را از «الْغَلَاةِ الْكِبَارِ الْمَلْعُونِينَ» یاد کرده است (نک: کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۲۲/۱)؛ که رجالیهون متأخر نیز همان را در آثار خود منعکس نموده و نوشته اند: «من الغلاة الکبار الملعونین، و تقدم فی شاه رئیس» (به عنوان نمونه نک: خوئی، ۱۴۱۳ق: ۲۴۶).

۲-۳- جمع بندی نسبت نعمانی و حقایق اسرارالدین با غالیان

یک. کتاب حقایق، کتابی در سنت غالیانه است؛ و حتی از راویان روایات نعمانی نیز در این کتاب، به خوبی این نکته نمایان می شود.

دو. از استفاده زیاد صاحب حقایق از روایات نعمانی و شواهد دیگر همچون راویان اسناد نعمانی، به نظر می رسد که ارتباط نعمانی با غلات و نیز غلات نصیریّه منطقه شام، پر رنگ بوده است؛ و از آن سو، روایات نعمانی مورد توجه ایشان بوده است.

سه. با توجه به استفاده زیاد محمد نعمانی از آثار و راویان غالیان متقدم در این کتاب، می توان نتیجه گرفت که نعمانی به سنت غالیان متقدم توجه داشته؛ و ابائی از بهره گیری از این آثار و راویان نداشته است. حتی برخی از این راویان غالی، در سلسله اسناد روایات الغیبة وی نیز به چشم می خوردند (به عنوان نمونه نک: نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۱۱، ۲۷۶، ۲۸۵، ۳۲۶).

نتیجه

۱- پس از بررسی تمامی منابع حدیثی موجود شیعه، مشخص شد که روایات و احادیث قابل توجهی به نقل از نعمانی یا کتاب‌های او در منابع شیعه وجود ندارد؛ و تا قرن دهم، تنها شانزده عدد روایت (مکرر و غیرمکرر) در برخی منابع اندک از قرن ۵، ۷، ۸ و ۹ موجودند. اسامی راویان مستقیم این روایات، عبارتند از: ۱- مُحَمَّدُ الشُّجَاعِي. ۲- مُحَمَّدُ الْبَلَدِي. ۳- عَلِيَّ الْحَرَّانِي.

۲- با بررسی حوزه حدیثی و زندگانی مؤلفانی که از نعمانی نقل روایت نموده‌اند، روشن می‌شود که این نویسندگان به منطقه عراق و شام تعلق دارند؛ و اساساً روایات نعمانی تا قرن دهم، به حوزه حدیثی شرق بین‌النهرین راه نیافته است. همچنین، با توجه به شمار اندک روایات منقول مؤلفان عراق و شام، به نظر می‌رسد که روایات نعمانی در حوزه عراق و شام نیز، چندان مورد توجه علماء و مؤلفین آثار حدیثی نبوده است.

۳- با بررسی تراث و منابع حدیثی در دسترس نصیری، منابعی یافت می‌شود که در آنها روایاتی از محمد نعمانی نقل شده است. از باب نمونه، به کتاب حقایق اسرارالدین منسوب به ابومحمد حسن بن علی بن شعبه حرانی (ق ۴) پرداخته شد. این اثر شامل نقل قول‌های زیادی از غالیان متقدم است، و آشکارا حاوی معارف ویژه غلات نصیریّه همانند: مسخ، تناسخ، ربوبیت حجج، اباحه‌گری و غلو می‌باشد.

در کتاب حقائق، بیش از بیست و دو روایت مرتبط با محمد بن ابراهیم نعمانی وجود دارد؛ که اگر از طرق چند روایت اندک صرف‌نظر کنیم، حدود ۱۸ روایت از دو طریق «محمد بن مهران الکرخی عن محمد بن موسی» و «ادریس بن زیاد الکفرتوثی عن عبد الله بن العلاء» و همگی از «أبی علی البصری» نقل شده‌اند. البته هیچ کدام از این روایات نعمانی، در منابع امامیه و نیز منابع اهل تسنن یافت نشد.

۴- همه روایات حقائق از نعمانی، به صورت مستقیم از وی نقل شده‌اند مگر یک روایت که از احمد بن علی عن محمد بن ابراهیم عن اسحاق است. بنابراین، راویان این روایات

نعمانی به این دو شخص: ۱- حسن بن شعبه حرانی و ۲- أحمد بن علی الرازی ختم می‌شوند.

۵- با توجه به اسناد کتاب حقائق، نعمانی روایاتش را از شخصی به نام «ابی‌علی البصری» نقل نموده است؛ که شاید وی، أبوعلی محمد بن همام (م ۳۳۶ق) ملقب به کاتب و استاد محمد نعمانی، و یا این که أبوعلی احمد بن همام (م ۳۰۶ق) باشد. از سوی دیگر، با خلاصه‌کرد ۲۲ سند روایات نعمانی، روشن می‌شود که حدود ۱۷ روایت، اسناد مشابه در دو طریق کرخی و ادريس دارند. همچنین، غالب راویان اسناد روایات نعمانی، از راویان بدنام و یا سران غالیان و غلات نصیری و یا علاقمندان به میراث غلات و از محافل حدیثی ایشان هستند.

۶- از استفاده زیاد صاحب حقایق و شواهد دیگر، روشن می‌شود که ارتباط نعمانی با غلات نصیری منطقه شام، پررنگ بوده است؛ و از آن سو، روایات نعمانی مورد توجه ایشان بوده است. همچنین، با توجه به استفاده زیاد نعمانی از آثار و راویان غالیان متقدم در این کتاب، می‌توان نتیجه گرفت که نعمانی به سنت غالیان متقدم توجه داشته؛ و ابائی از بهره‌گیری از این آثار و راویان نداشته است.

فهرست منابع

۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب، قم: علامه.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۶۸ق)، فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم، قم: دارالذخائر.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۷ق)، کشف المحجبه لثمره المهجه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی (بی تا)، مهج الدعوات، قم: بی نا.
۵. ابن غضائری، احمد بن الحسین (۱۴۲۲ق)، رجال ابن الغضائری، به کوشش حسینی جلالی، قم: دارالحديث.
۶. ابو موسی و شیخ موسی (۲۰۰۶م)، سلسله التراث العلوی، دیارمقل: دار لأجل المعرفة.
۷. استادی، رضا (۱۳۶۹ش)، «یک کتاب با چهار عنوان»، کیهان اندیشه، ش ۳۳، آذر و دی.
۸. استادی، کاظم (۱۴۰۰ش)، «معرفی و بررسی کهن ترین نسخه خطی الغیبه منسوب به نعمانی»، انتظار موعود، د ۲۱، ش ۷۵، صص ۷۵-۱۰۹.
۹. استادی، کاظم (۱۴۰۲ش)، الف، «معرفی نسخه های خطی کتاب الغیبه نعمانی»، پژوهش های مهدوی، دوره ۱۲، شماره ۴۵، صص ۹۷-۱۳۴.
۱۰. استادی، کاظم (۱۴۰۲ش)، ب، «معرفی و تحلیل نسخه های خطی کتاب الغیبه منسوب به نعمانی»، پژوهشنامه مطالعات نسخ خطی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۸۹-۲۰۸.
۱۱. اسفندیاری، اسکندر (۱۳۷۴ش)، پژوهشی درباره طوایف غلات، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۲. امین عاملی، سید محسن (۱۴۲۱ق)، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف.
۱۳. انصاری، حسن (۱۳۸۶ش)، «میراث غلات: از ابوالقاسم کوفی تا نویسنده عیون المعجزات»، سایت بررسی ها تاریخی، مهرماه.
۱۴. باقری، حمید (۱۳۹۴ش)، «حقائق اسرار الدین»، متنی کهن از میراث نصیری: پژوهشی در تاریخ گذاری و شناسایی مؤلف آن مقاله»، ادیان و عرفان، پاییز س ۴۸، ش ۲، (از صفحه ۱۶۳ تا ۱۸۳).

۱۵. تهرانی (آقابزرگ)، محمد محسن (۱۴۰۸ق)، *الذریعة الى تصانیف الشیعة*، قم: موسسه اسماعیلیان.
۱۶. تهرانی (آقابزرگ)، محمد محسن (۱۴۳۰ق)، *طبقات اعلام الشيعة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. حرانی، حسن ابن شعبه (۲۰۱۶م)، *حقائق أسرار الدین*، تحقیق حسن یونس حسن، بی جا: نشر دیجیتال اینترنتی.
۱۸. حلی، حسن بن سلیمان (۱۴۲۱ق)، *مختصر البصائر*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۹. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۱۱ق)، *خلاصة الاقوال*، تهران، بی نا.
۲۰. خصیبی (۱۴۱۱ق)، *الهدایة الکبری*، بیروت: البلاغ.
۲۱. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، *معجم رجال الحديث*، نشر موسسه آیت الله خویی.
۲۲. درایتی مصطفی (۱۳۹۱ش)، *فهرستگان نسخه های خطی ایران*، تهران: کتابخانه ملی.
۲۳. زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۰م)، *الاعلام*، بیروت: دار العلم للمالین.
۲۴. زیات نیشابوری، ابن سابور (بی تا)، *طب الاثمه*، قم: شریف رضی.
۲۵. شبیری زنجانی، محمد جواد (۱۳۸۰ش)، *نعمانی و مصادر غیبت (۱)*، مجله انتظار موعود، زمستان شماره ۲.
۲۶. شبیری زنجانی، محمد جواد (۱۳۸۵ش)، *نعمانی و مصادر غیبت [۱۰]*، مجله انتظار موعود، بهار و تابستان شماره ۱۸.
۲۷. شمشیری، رحیمه (۱۳۹۸ش)، «*زمینه های تضعیف یونس بن ظبیان*»، علوم قرآن و حدیث، ۵۱، ش ۲ - شماره پیاپی ۱۰۳، ص ۱۵۳-۱۷۲.
۲۸. شوشتری، محمد تقی (۱۴۱۰ق)، *قاموس الرجال*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۲۹. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، *معانی الاخبار*، قم: جامعه مدرسین.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبة*، تحقیق عباد الله و ناصح، قم: دارالمعارف الإسلامیة.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵ق)، *رجال طوسی*، به کوشش الاصفهانی، قم: جامعه مدرسین.

۳۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق)، *الفهرست*، تحقیق: الشیخ جواد القیومی، قم: بی‌نا.
۳۳. عاملی نباطی، علی بن محمد (۱۳۸۴ق)، *الصراط المستقیم إلى مستحقّی التقدیم*، محمدباقر بهبودی، تهران: مکتبة المرتضویة.
۳۴. عصمة الدولة، ابوالفتح محمد بن معزالدولة (۲۰۱۶ م)، *الرسالة المصرية*، (منهج العلم والبيان ونزهة السمع والبيان) به ضمیمه مشیخه ابوالفتح بغدادی قطعی، بی‌جا: المجموعة الكاملة.
۳۵. غالب طویل، محمدامین (۱۳۸۶ق)، *تاریخ العلویین*، بیروت: دارالاندلس.
۳۶. علم‌الهدی، علی بن حسین (۱۳۸۹ش)، *رسالة المحکم و المتشابه*، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۳۷. علم‌الهدی، علی بن حسین (۱۴۰۵ق)، *رسائل الشریف المرتضی*، تحقیق سید مهدی رجائی، قم: دارالقرآن الکریم.
۳۸. غالب طویل، محمدامین (۱۳۸۶ق)، *تاریخ العلویین*، بیروت: دارالاندلس.
۳۹. کراچکی، محمد بن علی (۱۳۹۴ش)، *معدن الجواهر*، تحقیق سیداحمد حسینی، قم: مهر استوار.
۴۰. کراچکی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق)، *کنز الفوائد*، قم: دارالذخائر.
۴۱. کشی (۱۴۰۹ق)، *اختیار معرفه الرجال (رجال کشی)*، به کوشش مصطفوی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۴۲. مامقانی، عبدالله (۱۳۶۹ش)، *تلخیص مقیاس الهدایة*، تلخیص علی اکبر غفاری، تهران: جامعه امام صادق (ع).
۴۳. مجلسی، محمدباقر (۱۹۸۳م)، *بحارالانوار*، بیروت: افست.
۴۴. موسوی، ا. م. (۱۳۶۸ش)، «*رسائل پیرامون تفسیر و علوم قرآن منسوب به اهل بیت (ع)*»، کیهان اندیشه، شماره ۲۸.
۴۵. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی (۱۴۰۷ق)، *رجال نجاشی*، به کوشش زنجانی، قم: نشر اسلامی.
۴۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تهران: نشر صدوق.